



بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت - 8 شهریور / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید جناب آقای رئیس‌جمهور و آقایان محترم، برادران و خواهر محترمان. از گزارشهایتان استفاده کردیم. من حرفی هم نداشتم اگر قرار بود دیگران هم گزارش بدهند، لکن حالا آقایان فرمودید، ما یک چند جمله‌ای عرض میکنیم.

هفته‌ی دولت، در واقع، حلقه‌ی وصل یک فصل از عمر دولت به یک فصل دیگر است؛ یعنی شما در این هفته یک نگاه به سالی که گذشت دارید، یک نگاه [هم] به سالی که در پیش است دارید؛ میتوانید مقایسه کنید، میتوانید تجربه‌اندوزی کنید، عبرت‌آموزی کنید. این هفته مزین است به نام دو شهید بزرگوار: شهید رجائی و شهید باهنر. یک نکته‌ای اینجا وجود دارد [و آن اینکه] ما از این دو شهید، چه نمادی در ذهن داریم که بخواهیم وزرای ما و مسئولین و مدیران ارشد ما در هدایت به سمت آن نماد پیش بروند؟ [آن نماد] چیست؟ کارکرد اینها که جلوی چشم ما نیست؛ فرصتی نشد؛ شهید رجائی حدود یک ماه رئیس‌جمهور بود، شهید باهنر [هم] در همین مدت نخست‌وزیر بود؛ شهید رجائی چند ماه هم نخست‌وزیر بود، با آن شرایط سختی که آن روز داشت. بنابراین، کارکرد این دو بزرگوار مورد نظر نیست و هیچ نشانه‌ای و اثری از کارکرد اینها نداریم. پس مسئله چیست؟ نکته‌ی مطرح شدن این دو نفر چیست؟ نکته در نیت آنها است، در جهت‌گیری آنها است. جهت‌گیری این دو نفر شهید عزیز، جهت‌گیری انقلابی و الهی بود. آن کسانی که این دو نفر را از نزدیک می‌شناختند تصدیق میکنند این عرض ما را که این دو نفر چیزی را طلب میکردند که همه‌ی شهدا و مجاهدین راه خدا آن را طلب میکنند؛ دنبال این بودند؛ یعنی زندگی آنها درست منطبق بود با سرنوشت آنها؛ یعنی دنبال رضای الهی بودند، همچنان که همه‌ی شهدای ما و همه‌ی مجاهدین فی‌سبیل‌الله که مخلصانه در کار جهاد هستند، هدفشان رضای الهی است؛ رضای الهی و کار برای مردم که این هم مشمول رضای الهی است؛ یعنی خدای متعال این را از ماها خواسته که برای مردم کار کنیم.

خب، پس این مهم است؛ یعنی اسم رمز دولتهای ما باید این باشد: کسب رضای الهی و کار برای مردم؛ اصلاً باید هدف را در این دو جمله خلاصه کنیم. اگر رضای الهی هدف انسان شد، این در همه‌ی فعالیتهای ما، در همه‌ی اقدامهای ما، در نوع کارکرد ما اثر خواهد گذاشت. آن وقتی که شما در خانه دارید فکر میکنید برای کاری که بر عهده‌ی شما است یا کار وزارت را که سنگین بوده، ناچار شدید شب ببرید خانه و در خانه روی آن کار کنید، هیچ کس نمیفهمد، هیچ کس به شما احسنت نمیگوید برای این کار، کسی اطلاع ندارد، اما شما این کار را میکنید؛ برای چه؟ برای رضای الهی؛ این درست است؛ در کارکرد ما اثر میگذارد، در انتصابات ما اثر میگذارد. یک جمله‌ای در صحیفه‌ی سجّادیه هست درباره‌ی همین مسئله‌ی رضای الهی؛ عرض میکند به خدای متعال، میفرماید: مُؤَثِّرُ لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْاَوْلِيَاءِ وَالْاَعْدَاءِ؛ من رضای تو را ترجیح بدهم بر هر انگیزه‌ی دیگری؛ اگر این شد، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جَوْرِي وَ يَتَيَسَّرَ وَلِيِّي مِنْ مَبِلِي وَ انْحِطَاطِ هَوَايَ؛ (۲) این خیلی مهم است. اگر چنانچه رضای الهی هدف من شد، دشمن من خاطرش جمع است که من به او ظلم نخواهم کرد؛ دشمن است، اما مطمئن است که من به او ظلم نمیکنم؛ رفیق من و دوست من هم مطمئن است که من برای او یک امتیاز رفاقتی قائل نمیشوم. ما در انتصاباتمان



طبعاً این جور هستیم، اگر چنانچه رضای الهی را در نظر داشته باشیم؛ مراقب هستیم کسی را که شایسته است سر کار بگذاریم، نه آن کسی را که با ما رفیق است، با ما دوست است، به خاطر دوستی، بدون صلاحیت. خصوصیت رضای الهی این است. مرحوم شهید رجائی و مرحوم شهید باهنر واقعاً این جوری بودند؛ یعنی واقعاً هدفشان رضای الهی بود. ما خب سالها اینها را از نزدیک می‌شناختیم، رفتارشان را دیده بودیم. هفته‌ی دولت مزین به نام اینها است. این شد دستورالعمل و به اصطلاح آن پرچمی که روی آن، اسم این دولت نوشته شده؛ باید این را در نظر داشته باشید.

درباره‌ی مسائلی که من با شما امروز مطرح میکنم، دو بخش را در نظر گرفته‌ام: یک بخش کوتاهی نظر و قضاوت خودم درباره‌ی دولت را عرض خواهم کرد، یک بخش هم یک تذکراتی است که برای دوستان عرض میکنم تا توجه داشته باشند.

اما راجع به قضاوت خودم، خب بنده از همه‌ی دولتها در این سی و چند سال حمایت کردم؛ از همه‌ی این دولتهای مختلف، با گرایشهای مختلف، با توانهای مختلف، بنده حمایت کردم؛ دلیلش هم واضح است: شرایط کشور و اهدافی که ما برای خودمان ترسیم کرده‌ایم در جمهوری اسلامی، اقتضا میکند که همه به قوه‌ی مجریه - که وسط میدان است - کمک کنند؛ رهبری کمک کند، مردم کمک کنند، روشنفکرها کمک کنند، نخبگان کمک کنند؛ قاعده‌اش این است. همه‌ی دولتها مستحق این کمک همه‌جانبه هستند و ما به همه‌ی دولتها کمک کردیم. لکن در مورد این دولت، علاوه‌ی بر کمک، بنده با نگاه به این دوساله می‌خواهم تمجید هم بکنم؛ یعنی آنچه تا امروز در این دو سالی که این دولت بر سر کار بوده از عملکرد دولت مشاهده کرده‌ایم، مستوجب این است که ما تقدیر کنیم و تمجید کنیم از دولت. در بخشهایی، دولت خوب و قوی ظاهر شده که این بخشها هم بخشهای مهمی است؛ من حالا یک اجمالی عرض میکنم. علت اینکه من اینها را می‌گویم این است که زبان دولت در بیان آنچه انجام گرفته متأسفانه زبان رسایی نیست؛ اتفاقات خوبی که افتاده، به آن اندازه‌ای که شایسته و حقش است، در نظر مردم و ذهن مردم منعکس نشده. بنده می‌خواهم یک مقداری بگویم تا شاید کمک بشود به اینکه حقایق و واقعیهایی که در مورد دولت هست، برای آحاد مردم و افرادی که نظر و غرضی ندارند بیشتر آشکار بشود. حالا من در چند بخش اشاره میکنم.

در بخش اقتصاد، کارهای خوبی در دولت انجام گرفته که حالا تفصیلش را، هم آقای رئیس‌جمهور گفتند، هم آقای معاون اول تا حدودی تبیین کردند. آنچه من می‌خواهم [به آن] تکیه کنم این است که تعداد قابل توجهی از شاخصهای اقتصاد کلان، رشد را نشان میدهد، پیشرفت را نشان میدهد، تغییرات مثبت را نشان میدهد. البته تا مسائل مربوط به اقتصاد کلان برسد به معیشت مردم و زندگی مردم یک مقداری فاصله وجود دارد؛ یعنی زمان باید بگذرد. طبیعت بعضی از دولتها این است که فردا را قربان امروز میکنند؛ این دولت این کار را نکرده؛ کارهای بزرگ و زیربنائی را انجام داده که اثرش ممکن است امروز به طور کامل ظاهر نشود، اما بالاخره ظاهر خواهد شد. چند قلم را من ذکر میکنم، [اما] گزارشی که به من داده شده خیلی بیش از اینها است؛ شاید نزدیک به پنجاه مورد اتفاقات مثبتی که در زمینه‌ی اقتصاد رخ داده در آن گزارش هست. حالا من تعداد محدودی از آنها را عرض میکنم.

افزایش رشد اقتصادی، بخصوص در بخش صنعت؛ این مهم است. افزایش رشد سرمایه‌گذاری که جزو مهم‌ترین مسائل اقتصادی ما است و مشکل اساسی ما در بعضی از دوره‌های گذشته، مسئله‌ی سرمایه‌گذاری بود که رشدش منفی بوده؛ به تعبیر رایج، به آن می‌گویند «رشد منفی»، در حالی که اسمش رشد نیست، عقب‌گرد است. کاهش



رشد نقدینگی که در بیانات آقایان هم بود. کاهش بیکاری، کاهش ضریب جینی، رشد قابل توجه صادرات کالا، تقویت نظام مالیاتی که درآمدهای مالیاتی دولت توانسته بخش قابل توجهی از بودجه‌ی جاری دولت را تأمین کند. رشد قابل توجه تولید محصولات پتروشیمی که این مسئله‌ی محصولات پتروشیمی جزو چیزهای مهم کشور است. اقدامات ارزنده‌ای در زمینه‌ی نفت و گاز که یکی همین مرحله‌ی یازدهم پارس جنوبی بود که اخیراً آقای رئیس‌جمهور آن را افتتاح کرد. (۳) راه‌اندازی کارگاه‌های تعطیل‌شده یا نیمه‌تعطیل که عددی که ذکر کردند عدد بالایی است، چند هزار است؛ چند هزار کارخانه‌ی تعطیل یا نیمه‌تعطیل راه افتاده؛ این خیلی مهم است. فعالیتهای مهم در زمینه‌ی آبرسانی یا شبکه‌های آبیاری و زهکشی در جاهای مختلف که در گزارشات آقایان هم بود.

عرض کردم نزدیک به پنجاه قلم از این قبیل اقدامات به ما گزارش شده که اتفاق افتاده – که اینها خیلی باارزش و مهم است – منتها دیده نمیشود. اولاً به خاطر اینکه کار اطلاع‌رسانی در دولت متأسفانه ضعیف است؛ یعنی آن کار اساسی برای اطلاع‌رسانی نمیشود. اینکه یک نفر بیاید در تلویزیون حرف بزند و به مردم بگوید این کارها شده، این اطلاع‌رسانی نیست؛ اطلاع‌رسانی یک هنر است، یک کار هنری باید انجام بگیرد تا اینکه درست اطلاع‌رسانی بشود. یکی این است، یکی هم چون مشکلات معیشتی الان در مردم وجود دارد – گرانی هست، بخصوص در بخشی از مواد غذایی گرانی‌های زیادی هست یا در مسکن گرانی‌های زیادی هست – و اینها مسائل روزمره‌ی مردم است، مردم اینها را می‌بینند و از کارهای مهم و باارزش اقتصادی طبعاً غفلت پیدا میشود؛ یعنی اینها غباری میشود که جلوی کارهای اساسی را میگیرد؛ یک فکر جدی و عاجلی باید روی این مسئله بشود ان شاء الله. خب، این در زمینه‌ی کارهایی که در بخش اقتصادی انجام گرفته.

در بخش مدیریتی هم کارهای بسیار خوبی در دولت انجام گرفته که برای من، در چشم من، ارزش این کارها کمتر از کارهای اقتصادی و پیشرفتهای اقتصادی نیست. یکی از آنها حضور در بین مردم و مواجهه‌ی مستقیم با مشکلات مردم است. اینکه شما می‌روید در بین مردم، از مردم می‌شنوید، به آنها پاسخ می‌دهید، مطرح میکنند مشکلاتشان را، این کار خیلی خوبی است، این کار بسیار مفیدی است. از چند جهت مفید است؛ یکی این است که شما اطلاعات دست‌اول پیدا میکنید، فواید دیگر هم دارد. ارتباط نزدیک و متواضعانه و صمیمی با مردم؛ این خیلی مهم است. ما حق نداریم با مردم از جایگاه استعلاء و استکبار برخورد کنیم و حرف بزنیم؛ ما کسی نیستیم؛ آنچه هست متعلق به مردم است؛ اگر شأنی، شغلی، مقامی هم به ما داده شده، اولاً مردم داده‌اند، ثانیاً داده شده برای اینکه به مردم خدمت بکنیم. ساده‌زیستی و کاهش تشریفات در سلوک شخصی و حکومتی دولت، بخصوص شخص آقای رئیس‌جمهور، برای من چشمگیر است و چیز مهم و قابل توجهی است. مواضع انقلابی‌ای که در دولت گرفته میشود؛ روحیه‌ی جهادی‌ای که نشان داده میشود در بخشی از کارها که حالا در گزارش آقایان هم بود؛ به‌کارگیری جوانان در رده‌های گوناگون مدیریتی که بسیار چیز مهمی است، چیز لازمی است و بحمدالله در این دولت انجام گرفته. بنابراین، در بخش مدیریتی هم کارهای خوب و قابل تحسین و خرسندکننده‌ای وجود دارد.

در بخش سیاست خارجی؛ تحرک دولت در باب سیاست خارجی تحرک بسیار خوبی است. این سیاستی که شما اتخاذ کرده‌اید که عبارت است از ارتباط با همسایگان، بسیار سیاست خوبی است، این را باید دنبال کرد. ما باید با هیچ یک از همسایگانمان مناقشه نداشته باشیم؛ باید سعی کنیم مناقشه‌ای وجود نداشته باشد. هرچه مناقشه هست، تبدیل بشود به همکاری؛ این کاری ممکن است که خب یک مقداری انجام گرفته، بعد از این هم باید انجام بگیرد. یا ارتباط با همه‌ی دولتهایی در دنیا که مایل به ارتباط با ما هستند، با یک استثنای محدودی که حالا مشخص

است. ارتباط با قاره‌های مختلف؛ آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیا، شرق آسیا، همه جا. این سیاست ارتباط متعّد و متنوّع با کشورهای مختلف، با خصوصیات که دارند از لحاظ سیاسی، از لحاظ اقلیمی، از لحاظ امکانات اقتصادی، فرهنگی و غیره، کار درستی است. عضویت در دو پیمان مهم بین‌المللی (۴) در فاصله‌ی کوتاه، موفقیت خیلی خوبی بود که خود این نه فقط مفید برای کشور است، بلکه حکایت از یک حقایق و واقعیّاتی هم میکند. کشورهای دنیا عاشق چشم و ابروی کسی نیستند که بگویند آقا شما بفرمایید اینجا عضو بشوید؛ یک محاسبه‌ای دارند که این حرف را میزنند، یک محاسبه‌ای دارند که میپذیرند یک دولت را؛ این محاسبه خیلی مهم است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که کشور در وضعی قرار دارد، در حدّی قرار دارد که مشتریان این پیمانهای بین‌المللی راغبند، مایلند و بلکه گاهی مصرّد که کشور عزیزمان جزو آنها بشود.

در بخش فرهنگی هم کارهای خوبی شده که البته باید در کم و کیف هم افزایش پیدا کند. و [همچنین] در بخشهای مختلف که دیگر جزئیّات را خود شماها میدانید.

توصیه‌ی من این است که آنچه در کارکردهای دولت وجود دارد که میتواند مردم را خوشحال کند، اینها را بتوانید به مردم منتقل کنید. فاصله‌ی بین واقعیّتها و تلقی مردم از واقعیّتها الان خیلی زیاد است؛ یعنی واقعاً تلقی از واقعیّتها با آن واقعیّت خیلی فاصله دارد؛ این فاصله را کم کنید، مردم واقعیّتها را بیشتر پیدا کنند. این احتیاج دارد به کار؛ یعنی یک کار ساده‌ی روان معمولی نیست؛ این کار به تأمل احتیاج دارد و کارشناسی لازم دارد که باید کارشناسها انجام بدهند.

اما تذکرات. خب، ما مکرّر گفته‌ایم (۵) که اولویّت اصلی کشور عبارت است از اقتصاد و فرهنگ؛ این دو اولویّتهای اصلی‌اند. در مورد اقتصاد هم، امسال ما شعاری که مطرح کردیم دو بخش داشت: یکی مهار تورّم، یکی رشد تولید. در مورد مهار تورّم هم بنده در صحبت و سخنرانی اوّل سال گفتم (۶) که مهار تورّم هم با رشد تولید حاصل میشود؛ یعنی مهم‌ترین کاری که برای مهار تورّم میشود انجام داد این است که ما تولید کشور را بتوانیم بالا ببریم و افزایش بدهیم. پس تولید شد محور. اگر محور تولید است و باید رشد پیدا کند، باید ببینیم چگونه میتوان تولید را رشد داد. دو نکته اینجا وجود دارد: یکی اینکه ما حمایت کنیم، دوّم اینکه موانع سر راه را برداریم. حمایت یعنی چه؟ یعنی اوّل حمایت قانونی؛ مقرّرات جوری باشد که تولید برای تولیدکننده، هم آسان بشود، هم باصرفه بشود. بعد، حمایتهای مالی، در آن مقداری که به عهده‌ی دستگاههای دولتی است؛ تأمین منابع ارزی و ریالی در آن حدّی که جزو وظایف است. و همچنین حمایتهای فرهنگی از تولید داخلی. حمایت فرهنگی از تولید داخلی یعنی اینکه ما به مردم تفهیم کنیم که محصول داخلی باید مصرف بشود؛ یعنی آنجایی که محصول داخلی وجود دارد باید مردم به سمت محصول داخلی بروند؛ این مهم‌ترین حمایت فرهنگی از تولید است. البته مکمل این حمایتها مراقبت از عدم انحراف است؛ ما دوره‌هایی داشتیم که منابع ارزی و ریالی در اختیار کسانی برای تولید قرار گرفته و برای تولید مصرف نشده! بحث یک ذره و دو ذره هم نیست، مبالغ هم مبالغ بسیار کلانی بوده؛ اینجا تقلب شده؛ باید مراقبت کنیم که این اتفاق و امثال این اتفاقات نیفتد. کسانی هستند که با مسائل اقتصاد بلدند خوب بازی کنند؛ یعنی واقعاً آدم نگاه میکند میبیند کسی [هست که] از آن مسئّل ارشد ما در این بخش، اطلاع و آگاهی‌اش به پیچ‌وخمها بیشتر است؛ پیچ‌وخمها را می‌شناسد، گریزگاهها را می‌شناسند و می‌روند عمل میکند و سودهای کلان نامشروع میبرد؛ سود مشروع هیچ اشکالی ندارد، سود کلان نامشروع [اشکال دارد]. اینها را باید مراقبت کرد؛ اینکه می‌گوییم تولید کمک بشود و حمایت بشود، مکملش این است که مراقب باشیم از این طرف هم دچار انحراف نشویم.



نکته‌ی بعدی در مورد تجارت کشور است. تجارت باید پشتیبان تولید باشد. تجارت خارجی ما فقط برای تنظیم بازار نیست؛ یک بخش تنظیم بازار است، یک بخش افزایش تولید است. تجارت باید به تولید کمک کند؛ یعنی در این تفاهمها و تعاملهای اقتصادی‌ای که ما با دنیا داریم، باید آن چیزی که ته‌کار درمی‌آید عبارت باشد از اینکه محصول داخلی برود بیرون و سرمایه‌ی بیرون بیاید داخل؛ حالا «سرمایه‌ی بیرون بیاید داخل» گاهی به صورت سرمایه‌گذاری است، گاهی به صورت کالای سرمایه‌ای است که احتیاج داریم؛ خیلی از ماشین‌آلات هست [که نیاز داریم]. همه‌ی دنیا هم این‌جور هستند؛ یعنی این‌جور نیست که در کشورهای گوناگون دنیا همه‌ی نیازهای خودشان را در داخل تولید کنند؛ چیزهایی را از بیرون می‌آورند. مثلاً ما کالای سرمایه‌ای را از بیرون بیاوریم و محصول داخلی را ببریم بیرون؛ اگر چنانچه این اتفاق افتاد، یعنی تعامل اقتصادی به این نتیجه رسید، طبعاً تولید رشد پیدا میکند؛ یعنی این مهم‌ترین کمک به تولید است و تجارت پشتیبان تولید میشود.

یک نکته‌ی دیگر این است که ما نیازهای داخلی کشور را بهنگام تشخیص بدهیم. گاهی اوقات هست که ما نیاز کشور را در وقت خودش تشخیص نمیدهیم، بعد که نزدیک به آن مرحله‌ی بحرانی شدیم، دستپاچه و باعجله رو میکنیم به واردات و از اینجا و آنجا وارد میکنیم و طبعاً دچار مشکل میشویم. تولیدکننده‌ی داخلی میتواند نیاز داخلی ما را در عمده‌ی مسائل کشور تأمین کند، همچنان که جنابعالی (۷) اشاره کردید ما امسال بالای ده میلیون تن گندم توانستیم [از داخل] بخریم؛ خب مصرف کشور هم تقریباً همین است – حالا خیلی دقیق نمیشود گفت، اما مصرف گندم کشور تقریباً در همین حدود است – یعنی به واردات گندم هیچ احتیاج نداریم و خودکفایی است؛ خب این چیز خیلی خوبی است. همه چیز همین‌جور است؛ اگر در باب کشاورزی، در باب صنعت، در باب معدن، در باب خدمات گوناگون کمک بشود، حمایت بشود، همه چیز همین‌جور است، میتواند در داخل تأمین بشود؛ مشروط بر اینکه نیازها در هنگام لازم و بهنگام تشخیص داده بشود.

یک نکته‌ی مهمی وجود دارد و آن، این است که در برنامه‌ی هفتم، تکالیف زیادی بر عهده‌ی دولت گذاشته شده که باید ان شاء الله برنامه‌ریزی بشود تا برای هر کدام از اینها کارهایی انجام بگیرد؛ لکن شما در این برنامه چند نقطه‌ی مهم را در مد نظر قرار بدهید و در همه‌ی کارها و تصمیمات اقتصادی‌ای که میخواهید بگیرید و اقدام بکنید، این چند نقطه را رعایت کنید. حالا مثلاً فرض کنید مسئله‌ی عدالت و کاهش فاصله‌ی طبقاتی؛ این یک نقطه‌ی مهم است. هر تصمیمی میخواهید بگیرید در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، نگاه کنید ببینید تأثیرش روی مسئله‌ی فاصله‌ی طبقاتی چگونه است، تأثیر مثبت است یا تأثیر منفی است؛ محاسبه کنید این را. یا مثلاً فرض کنید ثبات بازار، کاهش تورم، ثبات نرخ ارز، رشد تولید؛ اینها نقاط برجسته است. همه‌ی این نقاط هم نقاط کمی است؛ یعنی قابل اندازه‌گیری است، قابل سنجش است، چیزهایی نیست که نشود اینها را اندازه‌گیری کرد. در همه‌ی تصمیم‌ها ببینید این تصمیم اقتصادی‌ای که میخواهید بگیرید چه اثری روی این شاخصها میگذارد؛ با توجه به آن اثری که روی شاخصها میگذارد، [ببینید باید] تصمیم بگیرید یا نگیرید. این هم مهم است.

یک مسئله هم که مسئله‌ی آخر در این زمینه است، مسئله‌ی معیشت مردم است. مسئله‌ی معیشت خیلی مهم است. عرض کردم وقتی که مشکلاتی در باب معیشت به وجود می‌آید، مثل همین گرانی خانه و اجاره‌ی خانه و مانند اینها که خب یک عده‌ای را واقعاً مستأصل میکند، همه‌ی کارهای خوبی که شما میکنید تحت الشعاع قرار میگیرد؛ یعنی همه‌ی اقدامات مثبتی که با این زحمت انجام میگیرد، با مشکلات در معیشت مردم از چشمها دور میمانند؛ واقعاً حیف است! روی این کار کنید. عمده‌ی هدف تحریمهایی که تحمیل شده همین معیشت مردم است



؛ یعنی خواسته‌اند معیشت مردم را گروگان بگیرند. باید برای خنثی کردن تحریمها تلاش کرد. حالا البته کارهایی انجام میگیرد، برای رفع تحریم مذاکراتی میشود، آنها به جای خود محفوظ و کارهای درستی هم هست، اما در کنار آن باید خط موازی عبارت باشد از خنثی کردن تحریمها. یکی از مهم‌ترین شاخصهای خنثی کردن تحریمها هم یقیناً این است که تورم را کاهش بدهید؛ یعنی تلاش بشود بر روی کاهش رشد تورم. حالا این مقداری که گفته شد که [تورم] از فلان مقدار درصد به فلان مقدار رسیده، خوب است اما کافی نیست؛ یعنی تداوم رشد تورم دورقمی در چند سال پی‌درپی کاملاً چیز نامطلوبی است؛ باید کاری کنید که این تورم هرچه ممکن است پایین‌تر بیاید. به من این جور گزارش شد که برخی از کارها هست که تأثیرش در کاهش تورم تأثیر نسبتاً سریعی است، از جمله به سرانجام رساندن کارهای نیمه‌کاره، این طرحهای نیمه‌تمامی که وجود دارد که خیلی هم زیاد است؛ اینها را اگر به سرانجام برسانید، تأثیر سریعی را در کاهش تورم میگذارد، آن‌طوری که افراد صاحب‌نظر به ما گفته‌اند. یا مسئله‌ی ناترازی بانک‌ها که اشاره کردید، از این قبیل است. مقابله‌ی با این دلال‌بازی‌ها و واسطه‌بازی‌ها؛ میوه در باغ با زحمتی که باغبان میکشد یک قیمت دارد، به وسیله‌ی دلال می‌آید در جایگاه مصرف، گاهی قیمتش ده برابر یا بیشتر افزایش پیدا میکند. اینها را باید یک جوری علاج کرد که کمک فراوانی میکند به کاهش تورم و به مسئله‌ی کمک به معیشت مردم.

در باب تعاملات خارجی و سیاستهای بین‌المللی هم من دو سه سفارش میکنم که خب دولت در این زمینه بحمدالله فعال است؛ یعنی کارهای خوبی انجام گرفته که قبلاً اشاره کردیم. نکته‌ی مهم این است که ما در ارتباطات با کشورهای مختلف فرصتهایی داریم؛ این فرصتها را بشناسیم و از این فرصتها به وقت استفاده کنیم. گاهی هست که یک ارتباطی با یک کشوری داریم، میتوانیم هم بهره‌برداری کنیم، [ولی] بی‌توجهی صورت میگیرد. [مراقب باشید] این اتفاق نیفتد؛ یعنی فرصتها شناخته بشود و از فرصتها استفاده بشود. دوّم [اینکه] تفاهم‌نامه‌هایی که انجام میگیرد، سندهای همکاری‌ای که انجام میگیرد و امضا میشود، روی کاغذ نماند. الان دولت با بعضی از کشورها سندهای همکاری طولانی‌مدت دارد؛ خب حالا کو؟ نتیجه‌اش چیست؟ نگذاریم این تفاهم‌نامه و سند همکاری صرفاً روی کاغذ باقی بماند؛ این مهم است.

یک نکته‌ی دیگر این است که وقتی میگوییم «تعامل با دنیا»، بعضی از عناصر سیاسی کشور «دنیا» را عبارت میدانند از چند کشور عمدتاً غربی، [فکر میکنند] «دنیا» یعنی این! اگر با آنها ارتباط داشتیم و همکاری گرم و صمیمانه داشتیم، ارتباط با دنیا داریم؛ اگر با آنها یک خرده ارتباطمان کم شد، کأته با دنیا ارتباط نداریم. این غلط است؛ این نگاه، نگاه ارتجاعی است؛ این نگاه، نگاه صد سال پیش است. بله، صد سال پیش همین جور بود؛ چند کشور اروپایی بودند که اینها همه‌کاره‌ی دنیا بودند و ارتباط با آنها به معنای ارتباط با همه‌ی دنیا بود. صد سال از آن روزگار گذشته؛ این نگاه مرتجعانه و کهنه را باید رها کرد. «ارتباط با دنیا» یعنی ارتباط با آفریقا، ارتباط با آمریکای لاتین، ارتباط با آسیا. آسیا منبع عظیم ثروت انسانی و طبیعی است، آفریقا هم همین جور. کشورهای غربی عمدتاً از ناحیه‌ی فشار بر آفریقا و کشورهای این‌جوری ثروتمند شدند. در واقع، اروپا ثروت خودش را به یک معنا اصلاً از ناحیه‌ی به سرقت بردن ثروتهای [کشورهای] آفریقایی و بعضی از کشورهای آسیایی به دست آورده. ما از اینها غفلت نکنیم؛ ارتباط با اینها لازم است. پس بنابراین، ملاک ارتباطات بین‌المللی منافع ملی و عزّت ملی است. این هم مهم است؛ عزّت ملی خیلی مهم است و بایستی در این ارتباطات، هم سلطه‌پذیری وجود نداشته باشد و هم سلطه‌گری؛ یعنی ما، هم با سلطه‌گری مخالفیم، هم با سلطه‌پذیری مخالفیم.



چند تذکر دیگر هم عرض کنم. یک تذکر این است که این زی (۸) مردمی را حفظ کنید ؛ این خیلی چیز باارزشی است. اینکه با مردم، صمیمی و خصوصی و متواضعانه حرف میزنید، رفت و آمد میکنید، داخل خانه هایشان میروید، روی فرششان می نشینید، خیلی چیز خوبی است ؛ این را از دست ندهید، این فرصت خوبی است.

دوم: گفتگو با نخبگان را هرچه میتوانید پی بگیرید ؛ [این] چیز باارزشی است. نخبگان کشور صاحبان فکرند، صاحبان طرحند، راهنمایی های خوبی میکنند، نکات خوبی به نظرشان میرسد ؛ ارتباط با نخبگان را حتماً دنبال کنید و بخشهای مختلف دنبال کنند و داشته باشند.

نکته ی بعدی: حضور در دانشگاه ها یکی از کارهای لازم است ؛ بخصوص دانشگاه ها ؛ چه در میان دانشجویان، چه در میان اساتید، حضور پیدا کردن، حرفهای آنها را شنیدن و نکات لازم را به آنها گفتن. [اینها] از خیلی چیزها مطلع نیستند ؛ بله، دانشجو است، استاد است، روشنفکر است، آگاه است، اما خیلی از چیزها را نمیداند. همین «راهیان پیشرفت» (۹) که راه افتاده و میروند می بینند چیزهایی را، برای همه ی آنها چیز جالب و جدیدی است. خب این همه کار در کشور انجام گرفته، دانشجوی ما از آن مطلع نیست، وقتی می بینند تعجب میکند ؛ استاد هم همین جور است. بنده یک وقتی گفتم یک تور گردشگری بگذاریم برای [بازدید از] امکانات دفاعی کشور ؛ (۱۰) حالا میخوام عرض بکنم این گردشگری را برای همه ی پیشرفتهای کشور بگذارید تا نخبگان بروند ببینند و از نزدیک مطلع باشند. این هم این مسئله که بسیار کمک میکند برای مقابله ی با ستیزه گری دشمن. یکی از نقاط ستیزه گری دشمن که به آن امید دارد دانشگاه ها است ؛ حضور شما در دانشگاه این را خنثی میکند.

یک نکته ی دیگر و توصیه ی دیگر مسئله ی کارآمدسازی فعالیتهای رسانه ای دولت است که قبلاً هم اشاره کردم. به نظر من برای هر اقدامی یک پیوست تبلیغی لازم است ؛ هر اقدام مهمی که میخواهید انجام بدهید، یک پیوست تبلیغی روشن [داشته باشد]. فرض کنید حالا در مورد آن ارز ترجیحی که برطرف کردید – که کار لازمی هم بود – این باید به طور روشن برای مردم تبیین میشد که علت اینکه ما این کار را میکنیم این است، این است، این است، فوایدش این است، [موجب] جلوگیری از این ضررها است. هر اقدامی که انجام میگیرد، به طور مشخص یک پیوست تبلیغی داشته باشد.

یک توصیه ی دیگر این است که در گفتارها، وعده ها، آماردهی های ناشی از افراد دولت، انسجام وجود داشته باشد ؛ یعنی این جور نباشد که مثلاً یک دستگاهی یک آمار بدهد، بعد فردا یک دستگاهی آن آمار را رد کند یا یک آمار متضادی بدهد یا من باب مثال این یک وعده ای بدهد، آن یکی بگوید این وعده عملی نیست ؛ بالاخره اگر عملی است یا عملی نیست، قبلاً در دولت مشخص بشود که ببینیم وعده را بدهیم یا ندهیم. از خرد جمعی استفاده بشود، در کارها دقت بشود، تأمل بشود و خردورزی بشود.

آخرین مطلب هم همین است که آقای رئیس جمهور هم اشاره کردند: به جوسازی ها و حاشیه سازی ها اعتنا نکنید، کار خودتان را بکنید. گاهی شما یک تصمیمی گرفته اید، تصمیم درستی است، یک عده خوششان نمی آید، جنجال میکنند ؛ حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، هزار متن در فضای مجازی تولید میکنند علیه آن اقدام شما ؛ اگر اقدامتان اقدام سنجیده و اندیشیده ای است و روی فکر تصمیم گیری شده، اعتنا نکنید، کار خودتان را انجام بدهید. گاهی اوقات میخواهند یک اقدامی را تحمیل کنند بر دولت که این کار را بکنید ؛ باز آنجا یک وقت می بینید در فضای



مجازی مثلاً چند هزار نوشته، نامه، متن منتشر میشود برای اینکه [شما را] وادار کنند؛ اینها گروه‌های فشارند؛ به اینها توجه نکنید. کار را با فکر انجام بدهید، اندیشیده و سنجیده انجام بدهید، وقتی که تصمیم گرفتید، فاذا عزمت فتوکل علی الله؛ (۱۱) به خدا توکل کنید، گام‌هایتان را محکم بردارید. پیگیری را – که تأکید بنده همیشه بر پیگیری است – مجدداً عرض میکنم؛ کارها را نیمه‌کاره رها نکنید. گاهی انسان یک کاری را با انگیزه‌ی فراوان شروع میکند، منتها یک چند قدمی که جلو رفت، انگیزه‌اش کم میشود؛ این درست نیست. انگیزه را حفظ کنید تا کار به آن نهایت برسد و ان شاء الله تمام بشود.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال از شما راضی باشد و بهتان توفیق بدهد و مدت باقیمانده‌ی مسئولیتتان هم با موفقیت‌های مضاعفی ان شاء الله همراه باشد که مورد قبول پروردگار و رضای حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) باشد، روح مطهر امام از شما راضی باشد و ان شاء الله ارواح مطهره‌ی شهدا از شما راضی و خشنود باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس‌جمهور)، آقای محمد مخبر (معاون اول رئیس‌جمهور) و آقای علی‌اکبر محرابیان (وزیر نیرو) گزارشهایی ارائه کردند.

(۲) صحیفه‌ی سجادیته، دعای بیست‌ودوم؛ «[بارخدا! ... دوری از خطاها و برکناری از لغزشها را ... روزی‌ام فرما، آن‌سان که ...] رضا و خوشنودی‌ات را درباره‌ی دوستان و دشمنان بر غیر طاعت و رضایت برگزینم، تا دشمنم از ستم من آسوده و دوستم از میل و رو آوردن هوای نقسم (به نفع او) نومید گردد.»

(۳) مراسم افتتاح فاز یازدهم پارس جنوبی روز دوشنبه (۶/۶/۱۴۰۲) توسط حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس‌جمهور) برگزار شد.

(۴) سازمان همکاری‌های شانگهای و گروه بریکس

(۵) از جمله، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۸/۵/۳۰)

(۶) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۴۰۲/۱/۱)

(۷) رئیس‌جمهور

(۸) شکل ظاهری، هیئت

(۹) طرحی که در آن، دانشجویان از دستاوردهای علمی، صنعتی، اقتصادی و ... بازدید میکنند.

(۱۰) از جمله، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها (۱۳۹۳/۴/۱۱)

(۱۱) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹؛ «... و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن ...»